



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۵/۱۰/۰۳

نور محمد غفوری

نقش اساسنامه در زندگی و فعالیت حزبی

در مقاله پیشین تحت عنوان «اساسنامه حزب چیست و چه چیز را در خود می‌گنجاند» یادآور شدم که اساسنامه حزب در کنار مرامنامه، یکی از مهم‌ترین اسناد حزبی به شمار می‌آید. همان‌گونه که هیچ حزب معاصری بدون مرامنامه موجودیت نمی‌یابد، بدون اساسنامه نیز امکان فعالیت مشروع و پایدار ندارد. اساسنامه به مثابه یک سند حقوقی معتبر، نقش «قانون اساسی حزب» را ایفا می‌کند. این سند اهداف، ساختار تشکیلاتی، حقوق و مکلفیت‌های اعضا، شیوه انتخاب رهبری و سایر قواعد درون‌حزبی را روشن می‌سازد. همچنین علت و هدف ایجاد حزب، روابط میان ارگان‌های رهبری و اعضا، و مناسبات درونی حزب را توضیح داده و تمامی حقوق و وظایف اساسی را مشخص می‌نماید. بدیهی است که پذیرش مرامنامه و اساسنامه از سوی اعضا شرط اصلی عضویت در حزب است.

در بسیاری از کشورهای دموکراتیک، هیچ حزبی بدون داشتن اساسنامه نزد وزارت عدلیه یا کمیسیون انتخابات ثبت نمی‌رسد. موجودیت اساسنامه‌ای با محتوای دموکراتیک و منطبق با قوانین نافذ کشور، شرط اصلی برای رسمیت یافتن احزاب است. اساسنامه‌ای که معیارها و ارزش‌های دموکراتیک را نقض کند، از سوی مراجع قانونی پذیرفته نشده و جواز فعالیت حزبی دریافت نمی‌کند. بنابراین، اساسنامه نه تنها یک الزام حقوقی برای ثبت احزاب است، بلکه نشان‌دهنده پایبندی آن‌ها به قانون اساسی، قانون احزاب و سایر قوانین مروج کشور نیز محسوب می‌شود. هر حزب برای آن‌که بداند «چرا» به وجود آمده و «به کجا» می‌خواهد برود، نیازمند یک سند مرجع است. اساسنامه این نقش را ایفا کرده و اهداف کلان سیاسی، اقتصادی و اجتماعی حزب را تعریف می‌کند. ارزش‌ها و اصولی چون دموکراسی، عدالت اجتماعی، آزادی‌های مدنی یا برابری حقوق شهروندان نیز در آن ثبت می‌شود تا معیار سنجش رفتار و سیاست‌های حزب باشند.

یکی از مهم‌ترین کارکردهای اساسنامه، طراحی ساختار درونی حزب است: از کنگره عمومی به عنوان عالی‌ترین مرجع تصمیم‌گیری تا شوراهای مرکزی، کمیته‌های اجرایی و دفاتر محلی. اساسنامه حدود صلاحیت‌ها و روابط میان این نهادها را تعیین می‌کند و مانع تمرکز قدرت در دست افراد معدود می‌شود. بدین ترتیب، مشارکت اعضا گسترده‌تر و مشروعیت تصمیمات قوی‌تر می‌گردد.

دموکراسی واقعی از درون احزاب آغاز می‌شود. اساسنامه قواعدی را برای انتخابات آزاد و منظم رهبری، حق رأی اعضا، گردش نخبگان و مشارکت زنان و جوانان وضع می‌کند. این سازوکارها مانع استبداد داخلی شده و امکان نظارت اعضا بر رهبران را فراهم می‌سازد. حزبی که در تعاملات داخلی خویش نورم‌های دموکراتیک را رعایت نکند، نمی‌تواند انتظار داشته باشد که دموکراسی را در سطح جامعه تحقق بخشد.

حزب نه تنها در درون، بلکه در تعامل با جامعه و دولت نیز نیازمند چارچوب روشن است. اساسنامه نحوه همکاری یا رقابت حزب با سایر احزاب، نهادهای مدنی و ساختارهای حکومتی را مشخص می‌سازد. در نتیجه، فعالیت‌های سیاسی حزب در مسیر قانونی و مدنی باقی می‌ماند و از گرایش به خشونت یا اقدامات غیرقانونی جلوگیری می‌کند. برای جلوگیری از فساد و بی‌نظمی، اساسنامه مکانیسم‌های نظارتی و حساب‌دهی را تعریف می‌کند. انتشار گزارش‌های مالی، بررسی عملکرد ارگان‌های رهبری و رسیدگی به شکایات اعضا از جمله ابزارهایی است که در اساسنامه پیش‌بینی می‌شود. این امر اعتماد اعضا و مردم را به حزب افزایش می‌دهد و شفافیت فعالیت‌ها را تضمین می‌کند.

احزاب سياسي همانند هر سازمان ديگري مي‌توانند در معرض بحران، اختلاف يا حتي انحلال قرار گيرند. اساسنامه با پيش‌بيني شرايط تعديل، انحلال يا ادغام حزب، راهكارهاي قانوني و منظم براي چنين وضعيتهايي ارائه مي‌دهد و مانع فروپاشي بي‌نظم مي‌شود.

اساسنامه بيش از يك سند حقيقي ساده است؛ اين متن به‌مثابه «نقشه راه» حزب عمل كرده و بقاء، مشروعيت، دموكراسي، شفافيت و انسجام آن را تضمين مي‌كند. بدون اساسنامه، حزب به مجموعه‌اي بي‌سامان و شكسته بدل خواهد شد كه نه توانايي جلب اعتماد مردم را دارد و نه امكان ايفاي نقش مؤثر در نظام سياسي. به همين دليل، اساسنامه را بايد «قانون زندگي حزبي» دانست كه فعاليت روزمره و چشم‌انداز آينده حزب بر آن استوار است.

30.09.2025